

نامه‌های رسیده

«بنام خدایی که نور آسمان‌ها و زمین است و آن نور را انیس قلوب مؤمنان قرار داد»

جناب آقای دکتر اژه‌ای، سرپرست محترم سازمان ملی استعدادهای درخشان
با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما و همکاران محترمان که در راستای پرورش
استعدادهای میهن اسلامی و عزیزان می‌کوشید.
اینجانب ف.ا. محصل فرزندگان هستم. و در مرحله نخست مسابقات قرآنی سازمان به
حمدالله برگزیده شدم و در اردوی ارومیه شرکت نمودم. من این نامه را به قصد اهدای صمیمانه‌ترین
سپاس‌هایم به شما و همکاران محترمان نوشتم. به دلیل همه زحمات و تلاش‌های شما که برای رسیدن
به اهداف درخشان سازمان است. مخصوصاً در این روزهای اخیر که به تازگی ششمین دوره مسابقات
قرآنی سازمان خاتمه یافته است. می‌خواهم صمیمانه با شما که مانند پدرم هستید سخن بگویم.
می‌خواهم بگویم که این مسابقات نورانی چه تأثیری در زندگی من گذاشته است. منی که هرگز لایق
سخنان پر از مهر و عطوفت شما نسبت به برگزیدگان مرحله نخست این مسابقات نبوده‌ام. منی که با
شنیدن این سخنان خجالت‌زده می‌شدم. من کاملاً مجذوب این مسابقات و این سفر و رفتار شما شده‌ام.
حتی تا چند روز اولی که از سفر برگشتیم ناخودآگاه مرتب گریه می‌کردم. به خاطر حقارت من. به خاطر
اینکه تا چه حد از وظایفم را نسبت به «قرآن» انجام داده‌ام. به خاطر اینکه تا چه حد از وظایفم را در
قبال نعمت‌های الهی انجام داده‌ام. و تا چه حد زیر بار گناهان فرو رفته‌ام. البته من دختر خانواده‌ای

مذهبی هستم که کاملاً مقید به شئون اسلامی است. مخصوصاً این سفر به گونه‌ای مرا تغییر داد که با اینکه چادری هستم ولی قبل از سفر در شک و دودلی و یافتن استدلالی برای این کارم بودم. ولی اینک کاملاً مقید به حجاب برتر (چادر) هستم. و ایجاد این اعتقاد را معجزه‌ای از جانب خداوند می‌دانم.

من با برگزیده شدن حتی در همان مرحله هم نخست مسابقه به مرحله اعتقاد به خود رسیدم فهمیدم که با برگزیده شدن حتی در همان مرحله من قدرت پیروز شدن را در این گونه مسابقات دارم. فهمیدم که می‌توانم موجب افتخار مدرسه و خانواده شوم متوجه شدم که این دنیا تا چه حد آغشته به کفر و هوی پرستی است. فهمیدم که تا چه حد از قافله مسلمانان و مؤمنان عقب هستم. به خودم اعتقاد پیدا کردم. به توانایی‌هایم. به عشقی که در وجود تک‌تک ماست. برای رسیدن و قرب به خالق آسمان‌ها و زمین و کاینات. به اینکه می‌توانم حتی در سایر رشته‌های قرآنی که هیچ تجربه‌ای برای شرکت در آنها ندارم شرکت کنم. به این که می‌بایست با این قدم‌ها به بام رفیع کمال انسانیت رسید. به اینکه چگونه می‌بایست از حیوانیت رها شد و یک انسان شد. به اینکه چه هستم و چه باید باشم. و خداوند در روز رستاخیز چه از من می‌پرسد و من چه جوابی برای آنها دارم. و این ذهن مرامشغول کرده است این چه نیرویی است که مرا به پرسیدن این‌گونه سؤالات از خود و می‌دارد مگر در این چند روز چه اتفاقی برایم افتاده است که این‌گونه متحول شده‌ام.

من با سخنان گرم شما بیش از پیش مجذوب سازمان شدم. اصلاً نمی‌دانم که این چه قدرتی است که من را متعلق و کاملاً وابسته به سازمان کرد. به طوری که نام «فرزانگان» گویی که پاره‌ای از وجودم شده است.

من پیش از این سفر کدورت‌هایی از سازمان داشتم. مثلاً حجم کتب محتوای تکمیلی سازمان و یا برخورد بعضی از دبیران نسبت به ما و نیز طعنه زدن به ما به عنوان یک «تیزهوش» و کلاً اقداماتی که مرا خسته و تا حدی دلسرد کرده بود. ولی اینک خود به خود تمام آن ناراحتی‌ها از دلم رخت بر بسته و امید تازه‌ای پیدا کرده‌ام درست مثل تشنه‌ای که به یک رود زلال می‌رسد.

من اعتقاد دارم به خودم. به مرکزمان - به سازمان به شما به دوستان محصلانی که تمامشان آینده‌سازان وطن ما هستند به کسانی که شکوفا کردن استعداد‌های نهالان این سرزمین آرزو و هدفشان و خلاصه به همه چیز و همه کس که راه رسیدن به پروردگارم را برایم فراهم می‌کند. از شما پوزش می‌طلبم که سخنان این چنین طولانی شد. مجدداً از شما و همه همکارانتان که برای

شکوفایی غنچه‌های ایران زمین تلاش و کوششی مجذانه را متحمل می‌شوند از صمیم قلب سپاسگزاری می‌کنم و از خداوند متعال آرزو مندم که به همه ماتوفیق انس با قرآن و رسیدن به سر منزل مقصود را عنایت فرماید.

ان شاء الله

ومن الله توفیق

محصل فرزنانگان.....والسلام

استعدادهای درخشان: امثال این نامه ها خستگی همکاران سمپاد بخصوص در برنامه‌هایی نظیر مسابقات قرآن را که احتیاج به صرف وقت و تلاش مستمر دارد از تن خارج می‌سازد. از خدای بزرگ می‌خواهیم که فرزندان ایران اسلامی چه در مراکز آموزش عمومی و چه در دیگر مراکز، بازوان توانمندی جهت حفظ «ارزشها» باشند.

بسم الله الرحمن الرحيم

روز پنجشنبه ۷۶/۲/۱۱ بود که یکی از معاونین در زد و اعلام کرد برنامه داریم چه برنامه‌ای؟ هیچکس از بچه‌ها نمی‌دانست از معاون پرسیدم گفت: المپیادی‌ها می‌خواهند بیایند. المپیاد؟ پرسیدیم در سطح استان. گفت: نه المپیادی المپیادی!

جل الخالق مگر می‌شود بچه‌های المپیادی پا شوند بیایند در یک شهر محروم؟ خوب حالا که شده بود با سرعت به تالار رفتیم و نشستیم با وارد شدن بچه‌های المپیاد خشکمان زد جدی جدی خودشان بودند خلاصه وارد شدند اول معرفیشان کردند! بعد هم خودشان شروع به صحبت کردند و هر چه بیشتر گفتند ما به تواضع و فروتنی آنها بیشتر پی بردیم و بیشتر تعجب کردیم از صفا و صمیمت و مهربانی آنها اینها مثلاً المپیادی بودند نه خودشان را گرفتند نه اظهار خستگی کردند بلکه با کمال صبوری و آرامش به تمام پرسشهای ما پاسخ گفته و در مورد هر کدامش توضیح لازم را دادند کتابهای لازم را معرفی نمودند حتی جواب مسئله‌هایی را که اشکال داشتیم نوشتند و به دفتر مدرسه دادند در تمام طول این مدت مانند برادرانمان با ما صمیمی بودند و از پرسشهای عجیب و غریب ما خم به ابرو نیاوردند و با کمال صبر و حوصله و فروتنی به تمام آنها پاسخ دادند و ما اینجا بود که فهمیدیم شعر افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

را باید در این برادرانمان جستجو کنیم برنامه واقعاً جالب و مفیدی بود دستشان درد نکند و خسته نباشند ما از این برادران گرامی یاد گرفتیم که باید تلاش کنیم باید از صفر شروع کنیم این برادران عزیز بودند که در ما انگیزه ایجاد کردند انگیزه برای درس قرآن، برای آزمایش برای تلاش، برای رسیدن به هدف، و اگر ما یا حداقل من موفقیتی به دست بیاوریم قطعاً و یقیناً مدیون این برادران گرامی و بزرگواریم که با صبوری و متانت ما را تحمل کرده و به پرسشهای ما پاسخ گفته و جاده موفقیت را به ما نمایانند ضمناً کلاسهای هم برای بچه‌های دبیرستان برگزار شد که ما راهنمایی‌ها نظاره‌گر آنها بودیم خلاصه ما واژه‌های تدبیر، تواضع، صبر، و.... را در این برادرانمان یافتیم با تشکر از برادران عزیز «آقایان محمدرضا شادنام»، «امین صابری»، «یاسر کراچیان»، «حسن مسرت مشهدی» که به سؤالات ما پاسخ گفته و آقایان «زرابی» و «اسرنک» - امیدوارم که درست نوشته باشم چون اصلاً اسمی از خودشان به میان نیاوردند - و این هم از کرامات معاون آن مرکز بود، که مجری و هماهنگ‌کننده برنامه بودند باز هم از برادران عزیزمان به خاطر آمدن به شهر دورافتاده ما کمال تشکر را داریم و حالا دیگر مطمئنیم رمز موفقیت تلاش و تواضع است و باز هم شرمندگی از ما که دیر به فکر تشکر افتادیم.

باتشکر- زینب جعفری

فرزانگان شاهرود ۷۶/۳/۱۳

با عرض سلام

درد بیشتر مردم ناشی از خود ستایی و حرف زدن بی عمل می‌باشد و با گفتن سخنان بیهوده نه تنها وقت خود را تلف میکنند بلکه با این مزخرفات دور دنیا را هم می‌گردند در حالیکه هرگز از جایشان هم تکان نمی‌خورند مشکل اساسی در ایران چه در محیط مدرسه و چه در دانشگاه هم از این غرور بی حد و حصر بعضی‌ها و نیز عدم توجه به این آموزشگاهها سرچشمه می‌گردد که با عوض شدن نظامها از قدیم به جدید و از جدید به و از به تا رفع نمی‌شوند.

اگر شما می‌گویید که پس چرا دانش‌آموزان ما در المپیادهای جهانی مدال می‌آورند در حقیقت عرضه خودشان و کمک اساتید بوده اگر قبول نمی‌کنید کسانی نیز هستند که در روستاهای دور افتاده کشور رتبه اول کشور را می‌آورند آنهم بدون امکانات. پس نمی‌دانم چرا بعضی از این مسئولان و مرییان مخصوصاً مدیر اینقدر با مردم بد رفتاری می‌کنند و شخصیت دیگران را خرد میکنند؟

اگر هم به آنان اعتراض بکنی می‌گویند من دیوانه‌ام!!!

استعدادهای درخشان : بخاطر حفظ حرمت همکاران خود بدون اجازه نگارنده محترم نامه، اسم مرکز آموزشی که از موفق‌ترین مراکز سمپاد، با وجود امکانات محدود می‌باشد را حذف نمودیم. داوری سطر آخر نامه را هم به عهده عزیزان خواننده می‌گذاریم

«به نام خدا»

جناب آقای دکتر «اژه‌ای»، مسئول محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان، سلام و خسته نباشید عرض می‌کنم.

مرا حتماً می‌شناسید، چند باری برایتان نامه نوشتم و مزاحم اوقات گرامیتان شدم و از اوضاع اداره مدرسه «فرزانگان همدان» برایتان گفتم اما پس از فارغ التحصیل شدن از سازمان هم، تقریباً هر هفته به مدرسه سرمی‌زنم به خصوص قبل از سال جدید. به دلایلی که ترجیح می‌دهم ذکر نکنم! انجمن فارغ التحصیلان مدرسه ما چندان اجازه فعالیت ندارد و به رسمیت شناخته نمی‌شود می‌دانیم که یکی از اهداف این انجمنها استفاده از توانائی فارغ التحصیلان برای تدریس در مدرسه است من با توجه به شناختی که از خودم دارم فکر می‌کنم، یعنی مطمئنم! که به یاری خداوند بزرگ، می‌توانم در درسهای زیست شناسی و ادبیات- به خصوص سال چهارم- و انشا و علوم زیستی در دوره راهنمایی از تواناییهایم استفاده کنم و بتوانم دینم را نسبت به محیطی که در آن هفت سال درس خوانده‌ام یا بهتر بگویم «زیسته‌ام» ادا کنم لطفاً مرا راهنمایی کنید و به طریقی اعلام کنید که چگونه می‌توانم در مدرسه تدریس کنم در ضمن آماده هرگونه آزمونی هستم و هیچگونه چشمداشتی هم ندارم. از لطف و توجه شما بسیار سپاسگزارم.

با تقدیم سپاس فراوان - مریم احمدی
دانشجوی رشته پزشکی، دانشگاه همدان

استعدادهای درخشان : مراکز آموزشی سازمان، تشویق به استفاده از فارغ التحصیلان شده‌اند. منتها نظام ترمی در دانشگاه زمان شروع سال تحصیلی جهت دانشجویان پزشکی و.... مشکلاتی است که مقداری برنامه‌ریزی را از مدیران ما می‌گیرد و بهمین دلیل درهم ریختگی برنامه، مرکز را با مشکل روبرو می‌سازد. من ضمن تشویق مجدد مدیران مراکز به استفاده از فارغ التحصیلان امیدوارم ابتدا در فوق برنامه‌ها از همکاری عزیزان بهره گرفته شود و در صورت تفاهم طرفین، این همکاری

استمرار باید

«بسمه تعالی»

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت دست اندرکاران مجله استعدادهای درخشان محصل مرکزی هستم با امکانات کافی و مناسب درسی و کمک آموزشی فضای مناسب تحصیل، دانش‌آموزان مستعد درس خوان و مذهبی، دبیران خوب و سرشناس و البته مسئولین صمیمی و زحمت‌کش. و این همه را مدیون الطاف خداوندی و همت مسئولین سازمان و مرکز هستیم. و البته خداوند را شاکر. هرگز هم نمی‌خواهم زحمات سرپرست مرکز و مدیران و دیگر عزیزان زحمت‌کش مرکز را زیر سؤال ببرم و خدای ناکرده قدر ناشناسی کرده باشم. و می‌دانم که این همه نعمت در کمتر جایی یکجا جمع شده است.

ولی حرف اصلی را با سؤالاتی شروع می‌کنم. آیا ما آینده سازان کشورمان و امید مردمان نیستیم؟ آیا ما کسانی نیستیم که سرنوشت کشور در دست ما قرار خواهد گرفت؟ آیا «پرورش» و آموزش دانش‌آموز تیزهوش از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار نیست؟

پاسخ این پرسشها کاملاً معلوم است: «بلی» اما مسأله مهم در جای دیگری است. کسانی که کوچکترین اطلاعات درست و موثقی در مورد جامعه و مشکلاتش (هرچند خیلی کم در این سن) ندارند و هرگز این فکر به مغزشان خطور نکرده که آنها هم در مقابل اجتماعشان وظایفی دارند و «باید» از نعمت خدادادی «استعداد» و موهبت «امکانات» که خداوند متعال لطف کرده و منت گذارده و این نعمات بزرگ را بیش از دیگران به آنها عنایت فرموده است، تنها برای اینکه خودشان زندگی راحت و خوبی در آینده داشته باشند استفاده نکنند و تا آنجایی که توانایی دارند، کمکی هر چند اندک به پیشرفت کشورشان و از میان برداشتن مشکلات جامعه‌شان بنمایند، چگونه می‌توانند در آینده، گرهی از کار دین و کشورشان باز کنند؟

آری. خودمان در کتابهای درسی‌مان خوانده و امتحان داده‌ایم که: «لازمه عدل خداوند این نیست که به همه، استعدادها و موهبت‌های یکسان بدهد. لازمه عدل خداوند این است که از هرکس به تناسب استعدادها و موهبت‌هایی که به او داده شده است، مسئولیت خواسته شود و کسانی که از استعداد و موهبت بیشتری برخوردارند، تکالیفشان در پیشگاه الهی بسی سنگین‌تر است و لذا در صورت قصور و غفلت، سقوط آنها سریع‌تر و سخت‌تر است.» (بینش اسلامی دوم دبیرستان، صفحه ۱۹) آری. که اگر اینچنین نبود، ائمه و پیامبران الهی می‌بایست بهترین زندگی را داشته باشند و با علم و قدرت و دانش

خود مالک جهان شوند.....

می‌دانید و می‌دانم که این، فقط مشکل مرکز ما یا شهر ما نیست. مشکلی هم نیست که مراکز و مدارس، تنها مسئول به وجود آمدن آن باشند. ریشه این مشکل، همان بدآموزیهای سخنها و طرز فکرهای غلط است. و عاملی که باعث بروز آن می‌گردد، ناآگاهی و آگاهیهای ناقص، اندک و اشتباه دانش‌آموزان در مورد واقعیتهاست. از اهمیت کافی ندادن والدین و مربیان و مسئولان مراکز در مورد آگاه نمودن دانش‌آموزان هم به عنوان تشدیدکننده آن نام می‌بریم. البته تغییر جو حاکم بر خانواده‌ها عملی نیست. و اگر هم باشد، کاری بس وقت گیر و دشوار است.

مضافاً این که اگر جو مدرسه ناسالم باشد، (که این هم از مشکلات لاینحل بسیاری از مدارس است) این کار نتیجه مطلوب را نخواهد داشت.

این را هم به خوبی می‌دانیم که اگر به این معطلات توجه نشود و اقدامی برای خفه کردن آنها در نطفه و جلوگیری از دامنگیر شدن آنها به عمل نیاید، فاجعه‌ای به بار خواهد آمد که نتیجه آن را بارها در تاریخ تمدنها و اقوام تحت عنوان ترک امر به معروف و نهی از منکر «شنیده و خوانده‌ایم». پس در اینجا از مسئولین محترم سازمان می‌خواهم تا با برنامه ریزی صمیمی که از فقدان آن در همه جا رنج می‌بریم و با شعار «تزکیه قبل از تعلیم» که برای آگاه نمودن دانش‌آموزان و تربیت صحیح آنان انجام می‌دهند، مراکز سازمان، مدارس و در نهایت جامعه را از این عدم احساس مسئولیت و شناخت وظایف در قبال جامعه، نجات دهند. و از این مسأله اطمینان داشته باشند که دانش‌آموز آگاه، تلاش بیشتری در زمینه پیشرفت تحصیلی و در نتیجه، کسب موفقیت‌های بیشتر در این مورد، مبذول خواهد داشت.

«اجرکم علی الله»

«دانش‌آموز سال سوم دبیرستان مرکز شهید صدوقی یزد»

بسم رب الحسن و الحسین سید اهل الجنة

با نام خداوند متعال و با اذن و اجازه از حضرت حجت «روحی فداه» و با عرض سلام و صلوات بر روح پاک و مطهر حضرت امام خمینی منجی و الامام ایران اسلامی و شهیدان به خون خفته سالهای دفاع مقدس بالاخص شهیدان عزیر مطهری، بهشتی، رجائی، باهنر، چمران، مفتاح، و سیدالشهدای اهل قلم سید مرتضی آوینی

حضور پدر بزرگوار و استاد ارجمندم جناب دکتر اژه‌ای سلام عرض می‌کنم و آرزومند سلامتی

شما هستم.

جناب دکتر اثره‌ای بنده از فارغ التحصیلان مرکز آموزشی فرزندگان اراک هستم که اکنون در دانشگاه - علوم پزشکی اصفهان و در رشته پزشکی این دانشگاه مشغول به تحصیل هستم. بنده همواره در جریان کارهایی که در سازمان رخ می‌دهد «از طریق مجله» هستم و بسیار بسیار علاقمند به شرکت در فعالیتهای سازمان می‌باشم لیکن موقعیت مناسبی در این زمینه پیش نمی‌آید و آن هم به این دلیل است که در شهر دیگری غیر از شهر محل سکونت خویش پذیرفته شده‌ام بنابراین از حضرت عالی تقاضا دارم با توجه به تعداد بسیار زیاد پذیرفته شدگان سازمان در دانشگاهها و بالاخص در رشته‌هایی ویژه در زمینه فعالیتهای این دانشجویان در کارهای سازمان ترتیب اثر دهید.

ضمناً در شماره جدید مجله نامه آقای «رجائی» بانضمام عکسی که فرستاده بودند را ملاحظه کردیم و بسیار بسیار متأثر شدیم لیکن جای بسی امیدواری است که جوانان میهن ما هنوز محکم و پا بر جا چون سالهای دفاع مقدس در پی احقاق حق محرومین و مستضعفین و مظلومین جهان هستند. و از طرفی انتخاب شایسته «آقای فرزاد» را توسط جنابعالی تبریک عرض می‌کنیم و امیدواریم که مجمع امور فارغ التحصیلان سازمان گامهای بلندتری برای استفاده از فارغ التحصیلان در زمینه تحقیقات و کمکهای دیگر مورد نیاز را بردارند. و در آخر: سالهای با هم بودن در مراکزی که پراز شور و اشتیاق و تکاپو و تلاش بود برای همه ما بهترین خاطرات دوران تحصیل هستند. و بسیار پیش می‌آید که با یاد آن روزهای خوشی و ناخوشی در کنار هم بودن می‌خندیم و می‌گیریم. در ضمن از تلاشهای مخلصانه مدیران محترم مرکز در طی سالهای گذشته صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم

فرزند سازمان لادن طاهری

۷۶/۵/۱۳

استعدادهای درخشان: با تشکر از فارغ التحصیل عزیزمان، ایشان با تماس با رئیس فرزندگان امین اصفهان یا از طریق «فوق برنامه» می‌توانند کماکان عضو «سمپاد» باشند.

«بسمه تعالی»

خدمت پدر بزرگوار و سرپرست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان جناب آقای دکتر اژه‌ای :

سلام علیکم، خسته نباشید.

ششمین کار سوق علوم زیست پزشکی انجمن دانش‌آموختگان سمپاد در روزهای ۳۱ خرداد و ۱ و ۲ تیر ماه ۷۶ در جمع صمیمی و پر شور دانش‌آموزان کلاس چهارم تجربی فرزندان ارومیه برگزار شد.

در این دوره که سه تن از فارغ‌التحصیلان سازمان حضور داشتند طی سه روز دانش‌آموزان مرکز ارومیه با استقبال شور انگیز از گنجینه علم و دانش این برداران عزیز بهره‌مند گشتند و نهایت استفاده را از این جمع علمی نمودند.

به همین مناسبت ما، دانش‌آموزان کلاس چهارم تجربی فرزندان ارومیه از شما پدر بزرگوار که باینش صحیح خود فرصت چنین برنامه‌هایی را برای ما فراهم می‌کنید نهایت تشکر را داریم و امیدواریم با سعی و تلاش هر چه بیشتر شما پدر عزیز و سایر بزرگواران تمامی دانش‌آموزان سازمان امکان استفاده از چنین برنامه‌هایی را داشته باشند و بتوانند از توشه علم و دانش و تجربه‌های برادران و خواهران بزرگتر از خود استفاده کرده و آنها را چراغ راه خود قرار بدهند. بی شک ایران اسلامی در سایه اتحاد و اندیشه‌های پاک و دستهای بی‌آلایش به رفیع‌ترین قله‌های ایمان و افتخار صعود خواهد نمود.

همچنین از سه برادر عزیزی که در حقیقت برگزارکنندگان این کار سوق بودند، آقایان « حقیقی شاملی و امامخو » و سایر عزیزانی که به هر ترتیب در اجراء و برگزاری چنین برنامه‌هایی نقش دارند نهایت تشکر را به عمل می‌آوریم و امیدواریم خداوند همه کسانی را که قلبشان برای اعتلای ایران و اسلام می‌تپد موفق و مؤید گرداند.

ما همواره برای رشد و اعتلای خود، محتاج دعا‌های پدران شما هستیم پس ما را نیز دعا کنید.

«من الله توفیق»

دانش‌آموزان کلاس چهارم تجربی فرزندان ارومیه

(سال تحصیلی ۷۶-۷۵)

استعدادهای درخشان : از فارغ التحصیلان بیشتر باید تشکر کنید منتها در نامه دیگری از توقف کارسوق در روز سوم گزارش شده بود که متأسفانه چون هر دو نامه با امضا «جمعی از دانش آموزان» می باشد باید «آقای حقیقی» گزارش کند.

به نام ایزد دانا

جناب آقای دکتر اژه‌ای

با سلام و آرزوی موفقیت و سلامتی برای شما:

غرض از نامه، بیان تشکر و قدردانی از شما و دیگر همکاران گرامیتان و نیز مرکز فرزنانگان امین اصفهان است که همه در جهت آبادانی هر چه بیشتر ایران سرفرازگام بر می دارند، همانها که دست هر نوجوان ایرانی را می گیرند و او را به هر بهانه‌ای که شده است دیگر بار و دیگر بار بلند کرده و او را به خودش مؤمن می سازند.

چندی پیش نیز گرمی یکی از دستهای پر توان را حس کردیم، بله ! جناب آقای «فریپور» بودند آن روز که پرتوهای امید را به وضوح در چهره دانش آموز اصفهانی رؤیت کردیم و رؤیت کردند. خوشحالیم افراد روشن اندیش و واقع بینی همچون جناب آقای «فریپور» هستند که خواهران کوچک خود را در مرکز فرزنانگان امین از یاد نمی برند؛ این حسن فکر و نگرش متعالی را به فال نیک می گیریم و امیدواریم مقدمه‌ای برای برنامه های از این دست باشد. استفاده از ایشان برآستی که لحظات شیرینی برای ما فراهم ساخت امیدواریم انعکاس این شادمانی ها را در نگاه دانش آموزان اصفهانی به کرات نظاره گر باشیم در خاتمه تشکرات قبلی خود و دیگر دوستانم در مرکز فرزنانگان اصفهان را خدمت شما برگزار کنندگان این برنامه ها عرض کرده آرزوی توفیق شما بزرگان را از خداوند خواهانم

بااحترام - فرانک فرزاد

فرزنانگان امین اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

مدیریت محترم مجله استعداد‌های درخشان ، سلام علیکم

ما، دانش آموزان مرکز آموزشی فرزنانگان خرم آباد، در فقدان از دست دادن معلم شریف و گرانقدر

خود خواهر «فرزانه خیرالهی» که متأسفانه در ۱۹ تیرماه سال ۱۳۷۶ در سانحهٔ جانخراش اتومبیل به همراه سه تن از اعضاء خانواده‌اش به لقاءالله پیوست؛ سوگوار و عزا داریم. فاجعهٔ جانگداز این یار انقلاب، مفسرو قاری قرآن، دبیر دینی و اسوهٔ پایدار ایمان و عمل برما و مردم شهرمان بسی تلخ و سنگین است.

فرزانه‌ای که به طریقت فرزنانگان زیست و به شیوهٔ آنان کوچ کرد؛
مادر دلسوز و عاشقی که راه خدایی به سویمان می‌گشود؛

کسی که آوای رسایش تار عنکبوت‌های استکبار را درگوشمان پاره می‌کرد تا نوای لاله‌الاله بر لوح درونمان نقش بندد؛ مهربانی که حکایت بلند حق را برایمان می‌گفت و انگشتان هنرمندش، عاشقانه زیستن را بر تخته‌های رنگ پریدهٔ دلها مان می‌نوشت؛
دانشمند بی ادعایی که سالها در شعبهٔ فقیرانه سمپاد در خرم‌آباد با رسالت فرهنگی کوشید؛ شمع وجودش نا بهنگام به خاموشی گرایید.

سلام بر آن استاد فرزانه که پیرو هدایت بود. چه بسا افرادی که به واسطهٔ قلم و زبان شیوایش به راه حق و حقیقت رهنمون شدند.

براستی که نیکو زیست و صادقانه زندگی کرد.

اکنون، ماکه بی وجود پاکش پاره‌ای از زندگیمان را از دست داده‌ایم و در میان توده‌ای از قلبهای شکسته و خاطرات نا تمام مبهوت مانده‌ایم؛ صمیمانه از شما دست اندرکاران مجله استعدادهای درخشان تقاضا نمودیم؛ صفحه‌ای در مجلهٔ وزین و شریف‌تان به این معلّم ارجمند که سالها بر دل‌های ما دانش آموزان حکومت داشت؛ و مجدّانه در ارتقاء و بهبود کیفی و علمی و اخلاقی این سامان محروم کوشید؛ اختصاص دهید.

شاید بدین وسیله ذره‌ای ناچیز از دریای بیکران لطف آن مهربان - از دست رفته را جبران نماییم.

«با احترام و سپاس»

«جمعی از دانش آموزان فرزنانگان خرم‌آباد»

استعدادهای درخشان: مانیز ضمن همدردی با دانش آموزان مرکز امیدواریم، ادامه راه این عزیز از

دست رفته را با بکارگیری شیوه‌هایی که ایشان در زندگی عملاً بکار می‌گرفت، پاس دارند.

نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شد، برخی سؤالات طرح شده از سوی شما را که جنبه عام داشته است، در بخش «پرسشهای شما» پاسخ گفته‌ایم و چنانچه پیگیری لازم داشته است، به مدیریت‌های ذیربط ارجاع شده است:

- ❑ اراک : مرکز فرزنانگان، ناعمه نجات بخش ❑ ارومیه : دانش آموز مرکز فرزنانگان/ جمعی از دانش آموزان سال چهارم
- ❑ تجرین ❑ اصفهان : مریم رفیعی دانشجوی دانشگاه صنعتی ❑ بروجرد : مرکز فرزنانگان ، پریسا امیدیان
- ❑ بیرجند: مرکز فرزنانگان ، آزاده خزاعی ❑ تبریز: مرکز شهید مدنی سینا صفا جو ❑ تهران : دبیرستان فرزنانگان تهران ، فرزانه فیضی / مسعود تنها ❑ دزفول : تعدادی از دانش آموزان مرکز فرزنانگان / نفیسه مقیمی
- ❑ رشت : مرکز میرزا کوچک خان، گودرزی قناتی ❑ زنجان : مرکز فرزنانگان : ف. ف. / جمعی از دانش آموزان مرکز ❑ سبزوار: علی توفیقی / عده‌ای از دانش آموزان مرکز فرزنانگان ❑ سئندج : دانش آموز مرکز شهید بهشتی
- ❑ شهری : مرکز شهید بهشتی علیرضا فرهمندی / عباس شپاسی دبیر زیست مرکز / آزاده فخری ، فارغ التحصیل مرکز
- ❑ زینب (س) ❑ شهرکرد : جمعی از دانش آموزان مرکز فرزنانگان ❑ شیراز : مرکز فرزنانگان ، صفورا قدسی
- ❑ قائمشهر : مرکز شهید بهشتی، رحیمی / جمعی از دانش آموزان مرکز ❑ قزوین : دانش آموز مرکز شهید بابایی
- ❑ قم : مرکز فرزنانگان ، م. م. م. ص. / روشنک صدوقی فر / مهدیه ملکبان ❑ مشهد : دانش آموز مرکز فرزنانگان
- ❑ نیشابور: مرکز شهید بهشتی ، وحید رضا نیکزاد ❑ یزد : مرکز فرزنانگان سمانه عاقلی نژاد / الهه نجفی .